

خالصانه تا رسیدن به خدا



خاطراتی از شهید مهدی جمال زاده
و پدر بزرگوار ایشان (حاج حسین جمال زاده)

« هر وقت خواستید مرا ببینید، خاطراتم را بخوانید و تعریف کنید. »

نویسنده: مهدی شریفی

شریفی، مهدی، ۱۳۴۲- ...

خالصانه تارسیدن به خدا: خاطراتی از شهید مهدی جمالزاده و پدر بزرگوار ایشان
(حاج حسین جمالزاده) / ... نویسنده مهدی شریفی.

قم: نشر حبیب، ۱۴۰۰.

۱۲۰ ص: ۱/۵ × ۲۱/۵ س.م.

ISBN: 978-600-7117-93-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. جمال زاده، مهدی، ۱۳۵۰-۱۳۶۷. ۲. جمالزاده، حسین، ۱۳۲۸- ...

Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

۳. شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

Martyrs -- Diaries -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War

۴. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات

۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

DSR ۱۶۲۶

نشر حبیب، ۱۴۰۰

۸۵۱۱۰۵۸

کتابخانه ملی ایران

با سپاس فراوان از:

آقای محمد صادق محسنی

و خانم‌ها: فتحیه محمدیه نژاد و مریم رجبی

خالصانه تارسیدن به خدا

خاطراتی از شهید مهدی جمالزاده
و پدر بزرگوار ایشان (حاج حسین جمالزاده)

نویسنده: مهدی شریفی

ناشر: نشر حبیب

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۰

چاپ: عترة

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۱۷-۹۳-۴

قم - خیابان معلّم - مجتمع ناشران - واحد ۱۳۲

تلفن: ۳۶۶ ۳۲ ۳۷۷ - ۰۲۵

فهرست

۷	سخن راوی
۹	پدر
۱۳	ازدواج
۱۵	رنج‌نامه مادر
۱۸	آغاز مبارزات انقلابی
۲۵	عملیات سراسری فتح المبین
۳۱	جبهه جنوب
۳۴	عملیات والفجر ۸

خاطراتی از شهید مهدی جمال زاده

۴۲	انتظار در انتظار
۴۶	مرد خانه
۴۸	زلال‌تر از باران
۴۹	مهدی و ارتباط با مسجد
۵۱	مهدی و توفیق نماز شب
۵۳	مهدی و نماز اول وقت
۵۴	مهدی و ماه مبارک رمضان

۵۶	 مهدی و قرآن
۵۹	 حال و هوای جبهه
۶۰	 آغاز راه سفر
۶۳	 مقر سدّ دِز
۶۴	 انتظار اول
۶۵	 انتظار آخر
۶۸	 خط شکن میدان
۷۲	 دنبال گمنامی
۷۴	 کمین
۷۵	 سفر آخر
۷۷	 پایان سفر
۸۰	 سخن آخر
۸۲	 در انتظار یوسف
۸۴	 دیدار یار سفر کرده
۸۷	 پایان کلام
۸۹	 تصاویر

سخن راوی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال، آیه ۲۹)

برهیزگاری و انجام اعمال شایسته است که در حصول معرفت راستین مهدوی و نهادینه شدن آن در وجود انسان مؤثر و مؤکد است.

خسته از بطالت، بی حاصلی ایام، صداهای آزاردهنده و جار و جنجال، قدم زدن‌های بیهوده در کوچه و خیابان‌های شهر و در مانده از ندانستن‌ها؛ با مدد جستن از عنایت حضرت حق، همراه برادر محسن به سوی روزنه‌ای از نور حرکت کردیم. نور سپیدی از پنجره خاطرات، دل ما را به میهمانی گل‌ها برد؛ پیچک‌های شور و نشاط در تمام وجودمان پیچید و نسترن‌های امید در جانمان روید. تصمیم گرفتیم آینه‌ای بسازیم، هر چند در قابی کوچک، تا روشن کند حوادث غایب از نظر و معانی نهفته در درونمان را.

بر آن شدیم از دل‌های بی‌ریا بگوییم، از چهره‌های معصوم، از شهامت و دلیری پدرمان، از صبر و استقامت مادرمان، از آسمانی و الهی بودن برادرمان.

بیاید با ما در بهشت نیکی‌ها قدمی زنید تا به لطف الهی، دل خسته و

آشفته را به سایه سار آرامش بسپاریم و وجودمان را از زیبایی‌ها و خوبی‌ها
لبریز سازیم.

به راستی سعادت است برای ما که با یک دنیا خلوص و مهر در جوار
دوستانی چون شما عزیزان، این مکتوب را ورق زنیم و از صفحه دیده و
ذهن بگذرانیم تا قفس روزمرگی‌های بیهوده بشکند و دل را بیدار، قلب را
امیدوار، دست را به تلاش و پا را به رفتن و ادا سازد و نیز پنجره‌ای به نور
معرفت به روی ما باز کند؛ معرفت به امام عصر علیه السلام و ولایت ایشان.
ان شاء الله. راوی؛ طاهره جمال‌زاده